

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر دهقانی ناژوانی

۱۵ سپتمبر ۲۰۲۴

سوسیالیسم نیمبند ایران با جنبش انقلابی مهسا به پیش می رود.

قسمت اول

سوسیالیسم نیمبند مردم ایران قبل و بعد از انقلاب ۵۷

سوسیالیسم نیمبند در زمان شاه به سکولاریسم و دموکراسی نیمبند غربی گره خورده و رشد می کرد. در اواسط رژیم شاه درباریون، روحانیون درباری، روحانیون ارتجایی، مثل خمینی و دار و دسته و اربابان غرب و شرق، بخصوص انگلیس و اسرائیل پی بردند که اگر نوجوانان و جوانان ایرانی بیشتر رشد کنند همه کاره مملکت شده و ما ارتجاعیون غارتگر مفتخور داخلی و خارجی کنترلی بر آنها نخواهیم داشت. آنها به این نتیجه رسیدند که با محرومیت و محدودیت، با زندان، شکنجه و اعدام، با تبلیغات توخالی غربی، با تبلیغات سکسی، با تبلیغات ضد شاه و ضد غرب و با تبلیغات به نفع مذهب شیعه می توانیم مردم، بخصوص نوجوانان و جوانان را به عقب ببریم. بطور کلی نوجوانان و جوانان ایران هم توسط رژیم می ها و ساواک، هم توسط روحانیون درباری و خمینی و دار و دسته به بازی گرفته شدند. بخشی از این نوجوانان و جوانان از روی ناعلاجی گرفتار اپوزیسیونهای ایدئولوژیک زده متوهم، منزوی چپ، راست، ملی و مذهبی و غیر مذهبی شدند. چنین جو مخرب نوجوانان و جوانان را بی عقل تر، متوهم تر، منزوی تر، ذهنگرا تر کرد. با چنین جوی ذهن و روح آنها بیمار و گرفتار احساسکور افراطی ایدئولوژیکی، بخصوص احساسکور مذهبی افراطی شدند، پس بنابراین در اواخر رژیم شاه سوسیالیسم نیمبند در ذهن و روح مردم ایران، بخصوص نوجوانان و جوانان نه فقط به سکولار دموکراسی نیمبند غربی نزدیک نشد، بلکه در میانه راه رشد به عقب، راکد، بیمار، منزوی و از ایدئولوژی های افراطی و عقب افتاده سر در آورد و انقلاب سال ۵۷ را کلید زد. در مرکز این سوسیالیسم بیمار مسخ شده مذهب افراطی شیعه قرار داشت، چون از همه متوهم تر، عقب افتاده تر بود. آخوندها و مذهبیون افراطی ایدئولوژی های ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی متوهم، بی عقل و افراطی را هم با زور و با وعده مجبور به همکاری کردند تا این سوسیالیسم ایدئولوژی مذهبی مطلقگرا بر گرده مردم سوار شود و ضدیتش را با عقل سلیم، احساس سالم و علم نشان دهد. در رأس این مذهب افراطی آخوندها، بخصوص خمینی و دار دسته بودند که از اربابان خارجی دستور می گرفتند، چرا؟ چون آخوندها و مذهبی های افراطی از عقل سلیم و احساس سالم ضعیف و بی منطق و در هر سطحی از کشورداری به خارج وابسته بودند. از طرفی دیگر اربابان عقلگرای کور بی احساس آخوندها را

سر کار آورده بودند تا مردم مسخ شده را عبد و عبید و امت بخوانند و راحت تر جانی و مالی آنها را قربانی کنند تا شیعه ناب محمدی پا برجا بماند .

اما این سوسیالیسم بیمار گفت که شما افراطگرایان مذهبی این نوجوانان و جوانان رشدیابنده که بال و پر من بودند را در زمان شاه فریب دادید و مسخ کردید و من سوسیالیسم را هم به عقب بردید و به مذهب افراطی خودتان آغشته و بیمار کردید. بسیار خوب من سوسیالیسم بیمار نه فقط مردم بی عقل فریب خورده را بیمار می کنم، بلکه شما مذهبی های افراطی و شما آخوند ها که در رأس قدرت هستید را هم خراب و ویران و کمر شما را خواهم شکست .

بعد از انقلاب ۵۷ سوسیالیسم بیمار در قد و قامت مذهب افراطی دامن همه را گرفت. مردم را از نظر ذهنی، روحی و جسمی بیمارتر کرد. افراد مدام از وضعیت خود ناراضی و مشکلات دامن همه را می گرفت. مردم در اوج بیماری، بی عقلی، فقر و مشکلات فراوان بین بد و بدتر را انتخاب می کردند. مدام می گفتند که مسئولین به داد ما برسید، یک اختلاص کم بشه مشکل ما حل می شه. در سال ۸۸ مردم به این عقب افتاده های مذهبی می گفتند، رأی من کو. بعد از کشتار و دستگیری های سال ۸۸ دوباره با زور برای چهار سال دیگر محمود احمدی نژاد را به مردم تحمیل کردند. بعد از احمدی نژاد با برنامه اصلاحات ساختگی حسن روحانی و دار و دسته اش هشت سال مردم را بار دیگر فریب دادند. هر چه مردم بین بد و بدتر انتخاب می کردند رژیم ها بیشتر مردم را غارت و می کشتند. به مرور سوسیالیسم بیمار مذهبی وضعیتش خراب تر و ناله می کرد. رژیم ها، بخصوص آخوندها آه و ناله سوسیالیسم بیمار مذهبی را شنیدند که می گفت؛ چرا شما مذهبی ها و شما رژیم فاسد آخوندی دست از سر من بر نمی دارید. من پوسیده و فرسوده ام، شما هم به من آویزان هستید. رژیم ها به سوسیالیسم بیمار مذهبی خود گفتند که وضع ما خراب تر از تو است و مجبوریم برای فریب و غارت مردم به تو آویزان باشیم. اما مردم صحبت این دو را شنیدند و فهمیدند که این آخوندها و دار و دسته آنها و مذهب افراطی شان پوسیده اند. این خودآگاهی مردم سوسیالیسم بیمار مذهب زده در ذهن و روح مردم را امیدوار کرد و به این مردم گفت عزیزان لااقل شما حرف مرا بشنوید! فراموش کرده اید که از آخر رژیم شاه تا به حال من سوسیالیسم و ذهن و روح خودتان را با مسخ لجن مذهبی افراطی خراب و بیمار کرده اید. شما الان فهمیده اید که آخوند جماعت و مذهب افراطی اصلاح ناپذیر و دشمن عقل سلیم، احساس سالم و علم و دشمن شما هستند. زمانی می توانید از دست آنها نجات یابید که من سوسیالیسم بیمار که ذهن و روح شما را مثل خوره می خورم را اصلاح کنید. مرا از شکل و قالب ایدئولوژی مذهبی، ناسیونالیستی، قومگرایی و کمونیستی افراطی و جفنگیات مذهبی بیرون آورید. زمانی می توانید به چنین مهمی دست یابید که اولاً با همدیگر همفکری و همکاری کنید. دوم از تجارب و شناختهای تلخ خود در زمان شاه و بخصوص زمان آخوندیسم درس بگیرید! آنها در مقام مقایسه بین درست و غلط، بین خوب و بد تشخیص شما را بالا می برند. شما باید از عقل و احساس خود و همنوع خود کمک بگیرید تا برخورد درست تری با واقعیات اجتماعی و محیط زیست داشته و این محیط ها را سالم تر کنید. این محیط ها اگر سالم شوند ذهن، روح، عقل، احساس و جسم شما را سالم تر می کنند. دنیای ذهنی و روحی شما که سالمتر شد آن وقت من سوسیالیسم بیمار را از قید مذهب افراطی نجات داده و من و ذهن و روح شما همدیگر را درست تر پیدا می کنیم. اگر شما شناختها و تجارب عقلی و احساسی تلخ خودتان که از زمان شاه و آخوندیسم گرفته اید را اصلاح کنید آنها دیگر ذهن و روح و جسم شما را مثل خوره نمی خورند، پس بنابراین دشمن واقعی شما مذهب و ایدئولوژی های افراطی و آخوندیسم هستند از آنها فاصله بگیرید. تا کی می خواهید بگویید که رأی من کو، مسئولین به داد ما برسید. تا کی این وضعیت مخرب را می خواهید تحمل کنید. کمی به خود بیایید !

مردم وضعیت خود را طاقت فرسا دیدند. شروع کردند که کم کم به فرمان سوسیالیسم بیمار خود پشت به دشمن و روی به میهن کنند. در جریان دی ماه ۹۶ بود که حرکت مردم تهاجمی تر و شعارهای مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور سر دادند. رژیم وامانده به جای یک حرکت درست و سازنده تا شاید از درد و رنج مردم بکاهد به سوسیالیسم مذهبی افراطی بیمارش بیشتر آویزان و برای حفظ خود و این مرده مذهبی دست به کشتار مردم زد. چنین حرکت شوم مستقیم و غیر مستقیم به رژیم منفور و ایدئولوژی های مذهبی، ناسیونالیسم، قومگرایی و کمونیستی افراطی ضربه زد. بعضی اپوزیسیونها که از رژیم منفور آخوندی حمایت می کردند هم ضربه خوردند. اما مردم در این قیام « پشت به دشمن روی به میهن » سال ۹۶ با شجاعت توانستند که به رژیم و مذهب افراطی نه بگویند و سوسیالیسم بیمار مذهب زده خود را از زیر سلطه مذهب افراطی بیرون بکشند و تا حدودی اصلاح کنند، البته بدون تلفات نبود. متقابلاً رژیم منفور آخوندی هیچ چیز را اصلاح نکرد و به ستونهای شکسته سوسیالیسم مذهبی افراطی خود بیشتر تکیه کرد و بیشتر ضربه خورد، چون اولاً خودش ناتوان تر از مذهب پوشالی اش بود. دوم مردم به آن پشت کرده بودند. آخوندها و اربابان شرق و غرب، بخصوص انگلیس و اسرائیل ترسیدند که مردم از عقل سلیم و احساس سالم و علم پیروی و بر علیه آنها صف آرایی کنند، در نتیجه اربابان خارجی عقلگرای کور بی احساس به نوکران آخوندیشان در ایران گفتند که ما جنگ عقلگور افراطی خودمان را با احساسگور مذهبی افراطی شما آخوندها کمتر می کنیم. شما هم میلیاردها دلار به ما بدهید و با اصلاحات ساختگی و دشمن تراشی با ما تمام تقصیر ها را به گردن ما بیندازید تا مردم فریب بخورند. ما با همدیگر اجازه نمی دهیم که مردم از زیر سلطه احساسگور مذهبی شما و از زیر سلطه عقلگور ما اربابان شانه خالی و بر علیه ما صف آرایی کنند. مردم ایران نباید با کمک علم صاحب عقل سلیم و احساس سالم شوند. اما رژیم مدام بی عقل تر، ناتوان تر و وضعیت را خراب تر می کرد. متقابلاً مردم بیشتر پی بردند که رژیم آخوندی اصلاح نا پذیر است. رژیم ناتوان در آبان ۹۸ به فرمان اربابان بنزین را گرانتر کرد. مردم جان به لب آمده به فرمان سوسیالیسم نیمند اصلاح شده در ذهن و روح آتشین خود در بیشتر از صد شهر به تظاهرات خیابانی پرداختند. رژیم وحشت زده به فرمان اربابانش به قلب و سر مردم شلیک و بالای چهار هزار و پانصد نفر را کشت تا شاید مردم عقب نشینی کنند. اما این تلفات سنگین مردم را خشمگین تر، جسورانه تر و ذهنی و روحی آگاه تر و آماده تر کرد برای مراحل بعدی مبارزه خود بر علیه احساسگور مذهبی و ایدئولوژیکی و همچنین بر علیه عقلگور اربابان سرمایه دار غارتگر بی احساس. مردم سوسیالیسم بیمار در ذهن و روح خود را از زیر سلطه احساسگور مذهبی و از زیر سلطه اربابان سرمایه دار عقلگرای کور بیشتر بیرون کشیدند و آن را تا حدودی اصلاح و سالم تر کردند. از دل این سوسیالیسم رشدیابنده مردم ایران در سال ۱۴۰۱ جنبش انقلابی مهسا بیرون آمد. دوباره رژیم آخوندی، اربابان و بخشی از اپوزیسیون وابسته به این ور و آن ور همدیگر را بیشتر پیدا و سعی کردند جنبش انقلابی مهسا را زمین بزنند. رژیم از داخل با این جنبش می جنگید و نوکران خارجیش در تظاهرات مردمی ایرانیان خارج از کشور نفوذ می کردند و سعی در حمله به تظاهرات، پراکنده کردن و بی محتوا کردن تظاهرات مردمی را داشتند. پرویز ثابتی رئیس ساواک شاه را به تظاهرات خارج کشور آوردند تا ضربه به تظاهرات و جنبش انقلابی مهسا بزنند. عده ای دیگر با رضا پهلوی منشور بازی، جلسات سخنرانی و وکالت بازی راه انداختند و پسر شاه به اورشلیم رفت تا به ارباب ننانیاهو خدمتی کرده باشد. اما همه این کارهای آنها کوس رسوایی بود و آنها بین مردم ایران رسوا تر شدند.

جنبش انقلابی مهسا دست آوردی مردمی و رشدیابنده است .

۱) جنبش انقلابی مهسا پس از چند دهه از دل مبارزه سوسیالیسم بیمار مذهب زده مردم که با مذهب افراطی و آخوند افراطی می جنگید بیرون آمد و رشد کرد. رشد جنبش مهسا از ادامه مبارزات مردم در این چند سده و چند دهه، بخصوص در رژیم آخوندیسم به دست آمده بود. ۲) این جنبش انقلابی با احساسسکور مذهبی آخوندیسم و با عقلکور اربابان عقلکرای کور سرمایه داری جنگید و خودش و افراد را در کوره آهنگری روزگار آبدیده کرد و می کند.

۳) جنبش انقلابی مهسا رشد سوسیالیسم بیمار مردم رشديابنده به طرف عقب را ترمز زد و به طرف جلو رشد داد و خودش و مردم را از ایدئولوژی های منزوی و متوهم، بخصوص مذهب افراطی تا حدود زیادی بیرون کشده است. ۴) جنبش انقلابی مهسا کاوه های آهنگر آبدیده ای را تربیت کرد که نه فقط با احساسسکور مذهبی آخوندیسم و عقلکور اربابان خارجی می جنگیدند، بلکه با درون خودشان هم می جنگیدند تا بر احساسسکور مذهب زده در ذهن و روح خودشان غلبه کنند، یعنی عقل گرفتار احساسسکور را از صندوقچه ذهن و روح خود بیرون آوردند و عقل خود را تقویت و در این جنگها فعال کردند تا با نبرد عقل از افراط احساسسکور مذهب زده خود بکاهند. با کم شدن کوری احساس این احساس در ذهن و روح این کاوه های آهنگر با عقل متعادل تر و با هم آشتی کردند. با آشتی این دو کاوه های آهنگر صاحب عقل سلیم و احساس سالم شدند. عقل و احساس در برخورد با واقعیات اجتماعی و محیط زیست از علم کمک گرفته تا این محیط ها را سالم کنند و با کمک این محیط ها احساسسکور مذهبی آخوندیسم و عقلکور اربابان خارجی بی احساس غارتگر را شکست بدهند. ۵) جنبش انقلابی مهسا که با علم، عقل سلیم و احساس سالم کاوه های آهنگر سر و کار پیدا کرد قوی تر و گسترده تر شد. ۶) تجارب و شناختهای تلخ زمان شاه و آخوندیسم که مدام ذهن و روح مردم ایران را می خوردند به مردم می گویند که به برکت جنبش انقلابی مهسا و به پشتیبانی علم، عقل سلیم و احساس سالم ما با تمام تلخ بودمان اصلاح تر شدیم و دیگر به آن معنی ذهن و روح شما را نمی خوریم، بلکه ما برای شما کاوه های آهنگر سنگ محک و راهنما می شویم که عزیز چون هر کاری می خواهی بکنی اول آن را با ما مقایسه بکن تا شرفهم شوی که آیا آن کار درست و یا غلط است. ۷) جنبش انقلابی مهسا نشان داد که اولاً ما مردم در اجتماع و محیط زیست در رابطه با هم فعال و رشد داریم و روی رشد هم تاثیرات متقابل می گذاریم. اگر ما روی اجتماع و محیط زیست تاثیرات درست عقلی و احساسی بگذاریم آنها هم اصلاح و بر روی ذهن، روح، عقل، احساس، تجارب و شناختهای ما تاثیرات مثبت و سازنده و رو به رشد می گذارند. همانطور که ما در جنبش مهسا دیدیم و می بینیم. ۸) این جنبش نشان داد و این امید را زنده و به دلهاى همه برگرداند که در این نبرد ها جمهوری اسلامی ناتوان، اصلاح ناپذیر و رشد به عقب دارد و خودش و عده ای را تا مرز نابودی با خود به گور می برد، ولی نمی تواند همه را با خود به گور ببرد، بلکه در این نبردهای سنگین که جنبش انقلابی مهسا نقش رهبری آن را دارد کاوه های آهنگر رشد می کنند و با رشد غالب خود سوسیالیسم بیمار مذهب زده خودشان را از زیر سلطه احساسسکور مذهبی و از زیر سلطه عقلکور اربابان خارجی جمهوری اسلامی بیرون کشیده و اصلاح می کنند. ۹) جنبش انقلابی مهسا با زبان مادرمان کره زمین به ما می گوید که عزیزانم من مادران کره زمین هستم. من از قانون فیزیک حاکم بر جرم و جاذبه ام پیروی می کنم. من مادران مدام نسلهای جدید شما را طبق قانون فیزیک حاکم بر خودم به دنیا می آورم. من دنیای ذهنی، روحی، عقلی، احساسی و جسمی شما را نسل به نسل آمادگی بیشتری می بخشم برای چیز های نو تر و هستی بخش تر برای زندگی بهتر. این مهم در بین مایه من، اجتماع، بافت اجتماعی (سوسیالیسم اجتماعی) و محیط زیست و بین مایه بچه ها، نوجوانان و جوانان نهفته است، در نتیجه اگر سوسیالیسم شما مذهبی افراطی و بیمار است نسلهای جدید آن را نمی پذیرند و این سوسیالیسم بیمار را از مذهب افراطی می زدایند و رشد بهتری می بخشند. این رشديابندگی درست را در جنبش انقلابی مهسا مشاهده می کنیم. اما شما عزیزانم باید از آن درست پاسداری کنید و مدام آن را با تمام فراز و نشیب و سختی ها با کمک

علم درست، عقل سلیم و احساس سالم همدیگر اصلاح کنید تا رشد به عقب پیدا نکند و متکامل تر و گسترده تر شود. (۱۰) آخوندهای عقب مانده بی عقل نمی توانند و نمی خواهند سوسیالیسم بیمار مذهبی حاکم بر ذهن و روح خود را اصلاح کنند و هر روز بیشتر دشمن عقل سلیم، احساس سالم، دشمن علم و هر چیز نو می شوند. من مادران را به فرمان قانون فیزیک به جمهوری اسلامی و مذهب افراطی آنها پشت کرده ام. این من بودم که گفتم «پشت به دشمن، روی به میهن». آخوندها و مذهبشان با نسل جدید و نوگرایی و قانون فیزیک بیشتر متضاد و در این تضاد آنها به درک واصل می شوند.

(۱۱) آنچه در این ۴۵ سال، بخصوص در سال ۹۶ و ۹۸ و در جنبش انقلابی مهسا دیدیم. برای ما و جهانیان مشخص کرد که با تمام ویرانی های ایران این جنبش دوام آور و ریشه دار تر می شود و در ادامه راهش ضربات پیاپی به رژیم عقب افتاده آخوندیسم و اربابانش زده و می زند. به همین خاطر جمهوری اسلامی، نتانیاها و اربابان شرق و غرب تمام ایران را شخم زده اند که تا بتوانند شرایط را فراهم و جنگ آخری را به ما تحمیل کنند، ولی بیداری مردم ایران در دی ماه ۹۶، آبان ۹۸، بخصوص در جنبش انقلابی مهسا (سوسیالیسم نیمبند ایرانی رو به رشد) تا به حال چنین اجازه ای را به آنها نداده است. این یعنی اگر ما جنبش انقلابی مهسا را پاسداری کنیم با تمام خرابی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می توانیم کم کم بر آخوندیسم و مذهب افراطی و دشمنان خارجی و خرابی هایشان در ایران و منطقه خاورمیانه غلبه کنیم، البته بدون تلفات نیست، ولی اگر بیشتر با هم باشیم تلفات جانی و مالی کمتر خواهند بود. (۱۲) من مادران کره زمین همراه شما و شما را یاری می دهم. شما برای شورشهای بعدی بطور گسترده آماده شوید. مشکل بی آبی، بی نانی، بی کاری، بی خانمانی، ابرتورم و قحطی در راه است. جنبش انقلابی مهسا در بسیج شما توانایی های بالایی دارد به آن تکیه کنید. به پاس این جنبش با احتیاط لازم دو نفره، سه نفره و چند نفره در هر سطح سیاسی و غیر سیاسی با هم کار تشکیلاتی بکنید تا چراغ جنبش انقلابی مهسا خانه دل شما، ذهن و روح شما را روشن و گرم گرداند و شما بر تاریکی و ظلمت شب پیروز و راه را از چاه درست تر تشخیص دهید.

در قسمت دوم ویژگی های ساختار رشدیابنده جنبش انقلابی مهسا را با هم بر می شماریم.

برایتان آرزوی موفقیت می کنم. پاینده و جاویدان ایران عزیز ما

اکبر دهقانی نازوانی

یادداشت: روی ملحوظات مشخصی مطلب بالا ویراستاری نشده است. - اداره پورتال-